قیام امام حسین(ع) و نهضت عاشورا

تردیدی وجود ندارد که قیام امام حسین و یاران معدودش در برابر دستگاه نامشروع یزید، از بی بدیل پدیده هایی است که چشم تاریخ بشریت و صفحات تاریک و روشن آن، در خود دیده است.

قیام شکوهمند اباعبدالله الحسین با هر قرائتی که به آن نظر کنیم؛ چه امام را شهیدی آگاه بدانیم که آگاهانه راه نهضت را به پیش گرفت و از ابتداء تا انتهای قضایای کربلا را ریز به ریز و مو به مو می دانست و چه هم امام را شهیدی جاویدی بدانیم که از اول تا فرجام حادثه کربلا را بدون خواسته او دیگران و به خصوص دشمنان برایش رقم زدند، در هر دو صورت، قیام قیامِ منحصر به فرد و شکوهمند و بی بدیل و بی مانندی است که مطالعه واگویه آن، خاطر هر انسانی را در دو جهت مثبت و منفی و قبض و بسط و اندوه و حیرت، متاثر و متحول می سازد.

جهت مثبت و متعالی و شکوهمند، جهت و سمت و سویی از واقعه کربلا و عاشورا است که در آن آیینه تصاویری از انسانهای کامل و فراتر از فلک و ملک را تا همیشه تاریخ به حیرت و بهتِ تماشا می نشینیم و نشسته ایم؛ انسانهای کاملی که به معنی واقعی انسان اند و می سزد که آفریدگار انسان و جهان با وجود آنها بر فلک و ملک فخر بفروشد و آنان را به عنوان پاسخ حلی و عملی در برابر اعتراض فرشتگان به خلقت انسان، قرار دهد؛ که حقا برترین و قانع کننده ترین پاسخ نیز می باشد.

از دریچه این جهت و سمت و سویِ نهضت عاشورا و قیام امام آزادگی است که می شود به واقعه کربلا در قالب دانشگاهی نگاه کرد که امام حسین در موقعیت و جایگاه یک استاد تمام عیار دین و انسانیت، توانسته است بسیاری از آموزه های بلند و پویای مکتب انسان ساز اسلام را در برابر چشمان تیز و نقاد عصرها و نسل های پس از خویش به نمایش بگذارد و به بشریت، خوب و انسانی زیستن و بهتر مردن را بیاموزاند.

بنابر هر دو دیدگاهِ شهید آگاه و نیز شهیدِ جاوید، قسمتی از دشت سوزان کربلا و در مقطعی خاصی از تاریخ به همت امام حسین و یاران بی بدیلش به خصوص خواهرش زینب و برادرش عباس، به دانشگاهی با محتویات برترین و انسانی ترین آموزه های اسلامی تبدیل شد.

نکته حایز اهمیت و توجه در این بخش از بحث این است که اگر قائل باشیم که امام حسین شهیدی جاوید است و چنانکه نویسنده کتاب "شهیدِ جاوید" معتقد است که امام حسین و سایر یارانش از حوادث بعدی ای که در انتظار آنها بود، خبری نداشتند، باز هم از اصل موضوع که دانشگاه بودن عرصه کربلا است، چیزی نمی کاهد و امام نیز همان آموزگاری که از هر فرصت برای تبلیغ و ترویج پیام الهی و انسانی خویش و سرانجام پاییدن رضا و خشم آفریدگار انسان و جهان است، بهره بهینه را می برد و در این جهت ابداً کوتاهی و سستی نمی کند.

پس با این دیدگاه به نظر می رسد هر دو نویسنده کتاب "شهیدِ آگاه" و نیز "شهیدِ جاوید"، در این نکته اشتراک نظر دارند که واقعه کربلا، آیینه تمام نمای قسمتی اعظمی از آموزه های اعتقادی و اخلاقی اسلام عزیز است که توسط استادِ حاذق و لایقی چون حضرت امام حسین و یاران بی مانندش، در برابر چشمان بهت زده ی اعصار و قرون و انسانهای چپیده در درون آنها، روی صحنه نمایش رفت و آن هم نمایشی که امام و یارانش را وادار کردند و به قول امروز جنگ را بر امام و همراهان محدود و معدودش تحمیل کردند و همه راهها به جز جنگیدن و به شهادت رسیدن را بر امام و همسفرانش مسدود کردند و طبق گواهی تاریخ و نقل آن، به امام حسین اجازه داده نشد تا دست زن و بچه هایش را گرفته و در گوشه ای حتی خارج از قلمرو حکومت یزید، به زندگی خویش ادامه دهد.

در هر صورت، واقعه کربلا با آن همه زیبایی ها و زشتی هایی که داشت، از سوی تعدادی از همین مسلمانها بر امام حسین و همسفرانش تحمیل شد و هم دشمنان اهل بیت رسول خدا(ص) کار خود را انجام دادند و هم امام حسین؛ نواده رسول گرامی اسلام و یاران بی مانندش، اگر چه در برابر توطئه ی عظیم و شاید هم از قبل طراحی شده قرار گرفتند؛ اما مهم این است که خود را نباختند و حتی از همان شرائط و اوضاع طاقت سوز و رقت انگیز، کمال استفاده در جهت اهداف الهی و انسانی خویش را بردند و به خلقِ رسا، زیبا و ماندگارترین نقش ها در واقعه کربلا همت گماشتند؛ تا الگویی باشند برای همه ی عصرها و نسل ها در سراسر جهان و تاریخ انسانیت.

 قیام امام حسین (ع) و یاران باوفایش کمتر از یک روز طول کشید و همۀ این بزرگان و آزادگان به دست انبوه سپاهیان یزید بن معاویه به شهادت رسیدند . این خیزش عظیم و مقدس ، پیام ها و عبرتهای فراوانی برای مسلمانان و همه مردم جهان دارد ، زیرا پیام های نهضت عاشورا ریشه در فطرت انسانی و عقل سلیم دارد و بسیاری از آنها همه جهانیان را مورد خطاب قرار می دهد. به همین دلیل تعداد زیادی از متفکرین و سیاستمداران غیرمسلمان دربارۀ حسین بن علی (ع) و آرمان هایش ، کتاب و مقاله نوشته اند و از ایشان تجلیل به عمل آورده اند. در این مطلب می کوشیم برخی از پیام های خیزش عظیم عاشورا را توضیح دهیم.

 قیام امام حسین (ع) برای خدا بود و در این راه تنها به او توکل داشت و در مسیر جهاد در راه پروردگارش ، تحمل همه سختی ها برایش آسان بود. در قبل ، بعد و در روز حادثۀ عاشورا ، ایشان و یارانشان بارها بر این اصل اساسی تأکید کردند. حسین بن علی هنگام وداع جانسوز با خانواده خود ، با ایمانی راسخ به پرورگار ، خطاب به آنها چنین می فرماید : « بدانید که خدا حامی و حافظ شماست و به زودی شما را از شرّ دشمنان نجات می دهد و عاقبت کار شما را خیر می گرداند.» آن امام شهید به هنگام شهادت مظلومانه خود نیز خدا را فراموش نکرد و چنین زمزمه می نمود : « ای خدای بلند مرتبه و دارای قدرت و جبروت ، در حالی که ضعیفم از تو کمک می خواهم و بر تو توکّل می کنم و همین مرا کافی است. » و سرانجام با وجود همۀ مصیبت ها و رنج ها فرمود : « اى خداى من، من راضى به قضا و حکم تو و تسلیم امر و اراده ات هستم . هیچ معبودى جز تو نیست اى پناه هر پناه جو.» این ایمان و توکل به خداوند باعث شد تا امام حسین (ع) و یارانش همواره با اخلاص و فقط برای کسب رضای خداوند حرکت کنند و خداوند نیز قیام آنها را جاودانه کرد.

حرم امام حسین (ع)

 ایمان محکم و توکل به خداوند قادر و حکیم باعث شد حسین و یارانش از آن منبع لایزال نیرو بگیرند و شجاعانه در مقابل سپاه باطل ایستادگی کنند که این ، درس دیگری از نهضت عاشوراست. آن حضرت در یکی از منزلگاه های میان راه خطاب به همراهانش این گونه فرمود: « صبر ومقاومت کنید ای بزرگ زادگان ! زیرا مرگ شما را از رنج و سختی عبور می دهد و به بهشت گسترده و نعمت های همیشگی آن می رساند. » شب عاشورا ، زمانی که حسین بن علی (ع) از یارانش خواست که با توجه به خطر حتمی، اگر می خواهند اردوگاه او را ترک کنند و بروند ، آنان با سخنان شورانگیزی که حاکی از ایمان به خدا و شهادت طلبی بود، بر استقامت خود در راه حق و وفاداری به ایشان تأکید کردند. چنانکه سعد بن عبدالله گفت : « به خدا سوگند اگر بدانم که هفتاد مرتبه کشته مى شوم و بدنم را آتش زده و خاکسترم را زنده مى کنند باز هم هرگز دست از یارى تو برنمى دارم و پس از هر بار زنده شدن به یاریت مى شتابم ... » یاران امام حسین (ع) با چنین روحیه ای به دفاع از دین خدا و فرزند رسول خدا (ص) پرداختند.

 حق جویی ، آزادگی و عزت طلبی ، پیام های مهم واقعۀ عاشورا برای تمام جهانیان در هر زمان است. ملاک و معیار امام حسین (ع) در قیام خود ، برقراری حق و عدالت و شکست باطل و ظلم بود . یزید ، حاکم فاسد و بی صلاحیتی بود که به ناحق بر مسند خلافت مسلمین تکیه زده بود و امام حسین را به بیعت فرامی خواند. اما آن حضرت با شجاعت و صراحت فرمود : « آگاه باشید که این ناپاک حرام زاده مرا بین دو چیز مخیر ساخته است : یا با شمشیر کشیده ، آماده جنگ شوم و یا لباس ذلّت بپوشم و با یزید بیعت کنم ، ولی ذلّت از ما دور است ؛ زیرا خدا و رسولش و مومنان و دامن های پاکی که ما را پرورانده اند ، به ما اجازۀ پذیرش خواری نمی دهند. » حسین بن علی (ع) در جای دیگری با صراحت می فرماید : « مرگ با عزّت، بهتر از زندگی ذلیلانه است. » به این ترتیب ، آن بزرگوار ، راه سرافرازی و آزادگی را به مردم نشان داد و زندگی زیر یوغ ظلم و ذلت را ، مرگ واقعی خواند. پس رسم آزادگی آن است که برای نابودی ستمگر و متجاوز قیام کنیم تا به عزت و آزادی و عدالت دست یابیم. این آرمانها چنان والا هستند که در راه کسب آنها ، حتی از بذل جان و مال نیز نباید دریغ کرد.

 رسیدن به آرمان های والایی چون عدالت ، آزادی و سرافرازی نیازمند لوازمی است که بی شک مهمترین آنها بصیرت و آگاهی است . قیام عاشورا نشان داد که مردم و حتی نخبگان جامعه ، بدون بینش و بصیرت قادر به تشخیص راه حق و حرکت در مسیر درست نیستند . چنانکه در کربلا ، کسانی که خود برای امام حسین (ع) دعوتنامه نوشته بودند، در مقابل آن حضرت صف آرایی کردند و تنها ۷۲ نفر توانستند راه صحیح را تشخیص دهند و تا پای جان از اسلام و امام حسین حمایت کنند و در تاریخ جاودانه بمانند. حضرت آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی ایران در بیانی موشکافانه در مورد این عبرت عاشورا می فرماید : «جا دارد اگر ملت اسلام فکر کند که چرا پنجاه سال بعد از وفات پیغمبر، کار کشور اسلامی به جایی رسیده باشد که همین مردم مسلمان از وزیرشان، امیرشان ، سردارشان ، عالمشان ، قاضی شان و قاری شان ، در کوفه و کربلا جمع بشوند و جگرگوشه همین پیغمبر را با آن وضع فجیع به خاک و خون بکشند؟ آدم باید به فکر فرو برود که چرا اینطور شد؟... اگر خواص در هنگام خودش ، کاری را که تشخیص دادند عمل کردند، تاریخ نجات پیدا می کند و حسین بن علی ها دیگر به کربلاها کشانده نمی شوند...» امام حسین (ع) خود خطاب به علما به عنوان رهبران فکری و مذهبی جامعه می فرماید : « شما ای گروه علمای دین ! اگر ما را یاری نکنید و در گرفتن عدل و داد ، با ما هم صدا نشوید ، ستمگران در مقابل شما قدرت بیشتری پیدا خواهند یافت و در خاموش کردن مشعل فروزان نبوت فعال تر خواهند شد.»

 امام حسین (ع) هنگام خروج از مدینه وصیتنامه ای به برادر خود محمد حنفیه دادند که در بخشی از آن آمده است : « .... من برای اصلاح در امت جدم محمد (ص) حرکت کردم و می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم محمد (ص) و پدرم علی بن ابی طالب (ع) ، رفتار کنم. » آن حضرت دین جد خود را در خطر می دید و چاره را امر به معروف و نهی از منکر می دانست و این یکی از پیام های اساسی عاشورا برای انسانها است. به همین دلیل آن امام بزرگوار در میدان کارزار کربلا شجاعانه می گوید : « اگر دین محمد جز با کشته شدن من استوار و پایدار نمی شود ، پس ای شمشیرها مرا دربر بگیرید.» حسین بن علی (ع)‌ به یکی از عواقب ترک این فریضۀ مهم در زمان خود اشاره می کند و می فرماید : « اینک باید فاتحه اسلام را خواند که مسلمانان به فرمانروایی مانند یزید گرفتار شده اند . آری من از جدم رسول خدا شنیدم که می فرمود : خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است و اگر روزی معاویه را بر بالای منبر من دیدید ، او را بکُشید . ولی مردم مدینه او را بر منبر پیامبر دیدند و نکشتند و اکنون خداوند آنان را به یزید فاسق ، مبتلا و گرفتار کرده است. » حضرت علی (ع) نیز قبلاً در آخرین وصیتشان ، با بیان اهمیت امر به معروف و نهی از منکر فرموده بودند : « امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرار بر شما مسلّط می شوند و سپس هر چه دعا کنید مستجاب نمی شود.»

 اگرچه در قیام عاشورا مردان جنگیدند و شهید شدند ، اما زنان چه قبل از قیام و چه در روز عاشورا و به ویژه پس از آن ، نقش برجسته ای داشتند. امام حسین (ع) از ابتدا زنان را در سفر به مکه و سپس کربلا با خود همراه کرد و می فرمود : « تدبیر الهی این است که اهل بیت و زنان همواره با من باشند. » زنان در صحنه کربلا نیز در روحیه دادن به مردان و پرستاری از آنان نقش ایفا می کردند. اما نقش مهم آنان از هنگامی آغاز شد که فاجعه عاشورا به ظاهر تمام شد. بانوان اهل بیت پیامبر هر جا توانستند ، با شجاعت فساد ، حکومت یزید را افشا و اهداف قیام عاشورا را تشریح کردند. در میان این بانوان بی شک حضرت زینب (س) ، خواهر امام حسین (ع) نقشی بی بدیل داشت. وی در میان مردم کوفه آنچنان سخنرانی کرد که آنها را به شدت شرمنده و پشیمان ساخت و نزدیک بود مردم را علیه حکومت بشوراند که جلو او را گرفتند. در کاخ عبیدالله بن زیاد حاکم کوفه ، زینب وقتی با طعنه و تحقیر وی روبرو شد ، با بیانی رسا درمورد شهادت امام حسین و یارانش گفت : « من جز زیبایی چیزی ندیدم . شهدای کربلا کسانی بودند که خداوند ، شهادت را برای آنها انتخاب کرده بود . » دختر علی بن ابی طالب در دربار یزید نیز شجاعانه سخن گفت و در قسمتی از سخنانش فرمود : « ای یزید هرآنچه می خواهی، مکر و فریب و کوشش خود را به کارگیر، ولی هرچه تلاش و مکر به کار گیری، هرگز توان آن را نداری که ذکر ما را از یادها ببَری و هرگز توان آن را نداری که وحی ما را نابود کنی . » حضرت امام حسین بن علی ( ع ) در جریان قیام بزرگ خود ، اینچنین از قابلیتهای زنان بزرگوار و شجاع خاندانش برای تبلیغ قیام بهره جست.